

کمبود مواد غذایی همراه تورم ۱۰۰۰ درصد

دولت ایران به موجب تعهدی که در پیمان سه گانه داشت، تمام وسائیل حمل‌ونقل زمینی و راه آهن خود را در اختیار متفقین قرار داد. بنابراین کامیون‌ها و واگن‌های قطار که برای حمل محموله‌های ایران از بنادر به نقاط دیگر به کار می‌رفت، همه برای رساندن مواد غذایی و مهمات به شوروی بسیج شده بود. ۱۹تا قبل از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱ میلادی ، ۴۰ هزار دستگاه کامیون برای رفق نیازهای ایران موجود بود اما بعد از اشغال کشور، ۶۰۰ دستگاه را ماموران شوروی مصادره کرده و انگلیسی‌ها نیز ۲ هزار دستگاه از کامیون‌های ایران را برای حمل‌ونقل مهمات و مواد از جنوب به شمال ایران تصاحب کردند.^{۱۱}

به دلیل همین کمبود وسایل حمل‌ونقل بود که حتی مقادیری

نگاهی مستند به خسارات اشغالگران در جنگ جهانی دوم به ایران

گزارش سفیر آمریکا در توصیف اقدامات انگلستان

دولت انگلستان عمداً نمی‌خواهد از قحطی در ایران جلوگیری کند

نقش متفقین در ایجاد کمبود مواد غذایی

اسناد متعدد برجای مانده از دوره زمانی جنگ جهانی دوم، هر یک به نحوی حاکی از شکایت از متفقین و نقش آنها در ایجاد کمبود در شهرهای مختلف است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

در مه‌ماه ۱۳۳۱ شاهد نگارش گزارشی به نخست‌وزیر درباره دخالت انگلیسی‌ها در کلیه امور شهرها از جمله امر نان کرد که موجب کمبود نان در شهر شده است و تقاضای جلوگیری از این روند هستیم.

در سسند دیگری وزیر کشاورزی در نامه‌ای محرمانه به نخست‌وزیر درباره خرید گوسفند توسط انگلیسی‌ها و ضرورت جلوگیری از آن سخن گفت.

در گزارشی از فرماندار قم به نخست‌وزیر نیز به مشکلات ناشی از حضور نیروهای انگلیسی در شهر، کمبود آذوقه، بدمستی سربازان انگلیسی و رعایت نکردن سنت‌ها و مشاعر مذهبی توسط

«... سفیر ایالات متحده در گزارشی می‌نویسد: «... احساس می‌شود که دولت انگلستان عمداً نمی‌خواهد از قحطی و گرسنگی در ایران جلوگیری به عمل آورد...»

آنها اشاره شده است.

انگلستان به منظور گسترش کنترل خود بر محصولات ایران، به ویژه غله، گابلز، سرکنسول خود در مشهد را به تهران فراخواند و وی را به عنوان مشاور سفارت انگلیس در امور غله به کار گمارد. یکی از توصیه‌های گابلز این بود که در هریک از کنسولگری‌های انگلستان در ایران، مأمورانی مخصوص گماشته شوند تا بر جریان کاشت، برداشت و جمع‌آوری گندم نظارت داشته باشند.

حتی وقتی دولت انگلیس در اقدامی نمایشی سعی می‌کند، مقادیری غله به ایران آرند کند، سفیر ایالات متحده در گزارشی راجع به این اقدام می‌نویسد:

«... احساس می‌شود که دولت انگلستان عمداً نمی‌خواهد از قحطی و گرسنگی در ایران جلوگیری به عمل آورد.»^{۱۲}

* با وجود آنکه قحطی در تمام نقاط ایران پیدای می‌کند، بلشویک‌ها از ایران ارزاق طلب می‌کنند و تهدید می‌کنند در صورت بر آورده نشدن خواسته‌هایشان دست به اقدامات خشونت آمیز خواهند زد.

چرا گیلان در تابستان ۱۹۱۸ که به اشغال انگلیسی‌ها درآمد، دچار قحطی شد؟ چرا در آن مناطق از ایران که در همسایگی بین‌النهرین قرار داشت و همجوار مناطق تحت سلطه انگلیس بود و غله کافی هم در آنجا یافت می‌شد، قحطی وجود داشت؟ و به طور مشابه، چرا در ناحیه شرقی ایران که در اشغال نظامی انگلیسی‌ها و در همسایگی هند تحت سلطه آنها که در آنجا هم غله کافی موجود بوده، قحطی وجود داشت؟ و روشن است که روس‌ها تنها مقصر نیستند. از آغاز، انگلیسی‌ها جریانی را هدایت کردند تا تقصیر را متوجه روس‌ها کرده و خود را تبرئه کنند. برای مثال، گزارش که در آن اقدام آمریکا در بغداد تهیه کرده، گویای این موضوع است. کنسول اسکار هایز در گزارش ۱۱ ژوئن ۱۹۱۸، می‌نویسد: «افتخار دارم نسخه‌ای از گزارش فردی را که به تازگی

پاورقی Research@kayhan.ir

آردهای ارسالی انگلیس مملو از شیشه است

نامه زیر که از جانب اداره مستشاری برای نخست‌وزیر ارسال شده، حکایت از آن دارد که آردهای ارسالی از سوی انگلیس به ایران برای کاهش قحطی و جبران اندکی از هزاران تن گندمی که از ایران به غارت بردند، مملو از خرده شیشه‌ای بوده و همین موضوع مستشاران خارجی را نیز به فریاد درآورده است. نامه زیر سسند دیگری از مظلومیت ملت ایران در طی روزگاراشغال توسط ارتش‌های متفقین است که علاوهبر خانه و کاشانه حتی آذوقه شان را به غارت برده و به جایش خرده شیشه و فضولات حیوانات برای این مردم ارمغان آوردند. آنچه که فقط شایسته خودشان بوده و هست.

سند:

وزارت خوارو پار – اداره مستشاری

۲۶

فعالیت‌های سازمان کوک به صورت غیرمنسجم ادامه یافت و سرلشکر فضل‌الله همایونی در سال ۱۳۵۰ش، در نامه‌ی به محمدرضا پهلوی، ضمن «تبریک و تهنیت عبیدانه» هشتم خرداد ماه سال ۱۳۳۱ش، که مصافد با نوزدهمین سال تأسیس رسمی سازمان کوک بود، نوشت:

«علیحضرتا! سربازان کوک مستخرنند به پیروی از منویات رهبر عالیقدر خود، با تلاش خستگی ناپذیر، هدف‌های انقلاب شهاه و مردم که بر بکت ثمرات آن، کشور به پیشرفت‌های درخشان کم نظیری نائل آمده است، قدم برداشته‌در امور و خدمات‌عام‌المنفعه پیشقدم بوده، غرور ملی و احساسات شاه گزارشتان به ستاد سازمان جهت و مین‌پرستی هم‌میمان را تقویت می‌نمایند.

ایک افتخار دارد که آمار و بیلان یک ساله سازمان را به شرف‌غرض برساند.

۱. تعداد سربازان کوک، معادل ۴۱۸۲ نفر زن و مرد می‌باشد، که ۲۵۲ کمپته از آنها تشکیل و مرتباً گزارشتان به ستاد سازمان جهت اقدام واصل می‌گردد.

۲. تعداد ۵۷۳ قفره اعلامیه تنظیم از طریق اداره دوم ستاد بزرگ ارتشتانان به عرض رسیده و مورد اقدام قرار گرفته. اینک ۵۶ ت. آن عهد از خبردهندگان که

نات‌های که مخلوطی از آرد و خاک اره بودند براساس اسناد موجود در آرشیوهای مجلس شورای اسلامی، نمونه‌هایی از نان‌های آن دوره وجود دارد که مردم ضمیمه شکواییه‌های خودشان برای مجلس می‌فرستادند. در این نمونه‌ها ملاحظه می‌شود که بیش از ۷۰ درصد نان‌ها را خرده چوب و خاک اره تشکیل می‌دهد. ناتواها حتی جو هم در اختیار نداشتند که به مردم بدهند. بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد خاک چوب را با آرد جو قاطمی می‌کردند و به عنوان نان در اختیار مردم قرار می‌دادند که نمونه‌های این نان‌ها در آرشیو مجلس موجود است.»^{۱۱}

سوفی‌الله وحید نیبا، از شاهدان عینی جنگ جهانی دوم از مشاهدات خود در جریان قحطی نان چنین نقل می‌کند:
... من خودم به یاد دارم در همان ایام، سفری که به تهران کردم، دکان‌های نانوایی غلغله بود و نانی که به مردم می‌دادند، مخلوطی‌بود از آرد و خاک اره و از آن قبیل چیزها که وقتی خشک می‌شد، از سختی درست به یک اجر تبدیل می‌گشت و چه بسا اگر آدم آن را می‌خورد، دچار مرض می‌شد…»^{۱۲}



فقرا و بیماران جذامی سال قحطی در آذربایجان

تلاش انگلستان برای انکار نقش خود در قحطی ایران

همه مقصر ند جز انگلیسی

* انگلیسی‌ها در حالی که اصرار بر افشای سوءرفتار روس‌ها دارند، بر پنهان ساختن سهم خود نیز می‌کوشند. کالدول به نقل از مطبوعات ایران در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۷ به توصیف غارت و ضبط ارزاق به دست پلیس جنوب در روستاهای یزد می‌پردازد.

به دست هم داد تا ضرورت مبارزه با اهریمن کمبود غذا که به سرعت از جمعیت می‌کاست، رخ نماید.
داناوو در توصیف اوضاع در طول راه ششش مایلی کردنت تا کرمانشاه می‌نویسد:
تک‌ها و روس‌ها زمین‌ها را به کلی لخت کرده‌اند و اکنون این مناطق در آستانه قحطی قرار دارند.

میان روش‌های این مهاجمان بیابیی، شباهت‌های فراوانی وجود دارد. آنها بی آنکه بولی بدهند بی‌شرمانه آنچه می‌خواستند تصرف می‌کردند و آنچه را هم که نمی‌توانستند تصرف کنند یا ببرند، تخریب می‌کردند. چون بپذری وجود نداشته است لاجرم چیزی هم کاشته نشده است. بسیاری از زارعان از ترس جان‌گریخته‌اند؛ آنها بی‌سکه در این منطقه جنگ‌زده مانده‌اند از گرسنگی رو به مرگند. مزرعه‌ای که به خاطر حاصلخیزی‌اش مورد توجه است متروک و وامانده افتاده است؛ از آغاز توفان جنگ، هیچ شخمی به آن رزه نشده و شیارهای خالی افتاده آن گاه به گاه بتوق کلاغ‌های سدر گردانی می‌شود که مذبوحانه تلاش می‌کنند قوت لایموتی به دست آورند.

جالب است که سایکس مدعی است قحطی حقیقتاً به خاطر اعمال روس‌ها به هنگام خروج از ایران به وجود آمده است:

روس‌ها پیش از ترک سنگرهای‌شان مهمات و تجهیزات خود را به ترک‌های فروخته و سپس راهی شمال می‌شدند و بر سر راه خود برای تأمین غذا و سوخت خانه‌ها را غارت و ویران می‌کردند.

صفحه ۶
چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۷
۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ – شماره ۲۲۰۴۹

حاجلی کیا و سازمان کوک به روایت اسناد ساواک – بخش پایانی

سرانجام یک سازمان بی‌مصرف

ب. حمل وسائیل باید تا پایان وقت اارز روی ۵۲/۵۳۱ پایسان بپذرد»

و بر اساس این اعلام انحلال، اداره کل سوم ساواک، طی بخشنامه‌ای سراسری اعلام کرد: «به فرمان مبارک علیحضرت شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، سازمان امور اجتماعی (سازمان کوک) از تاریخ ۵۲/۴۱۴ منحل گردیده است و اداره دوم اطلاعات و ضداطلاعات، طی دستورالعملی به سرلشکر بازنشسته همایونی ابلاغ نموده تا کلیه اسناد و مدارک موجود در سازمان مرکزی (تهران) طی صورت‌جلسه‌ای به اداره دوم (ضداطلاعات) تحویل داده شود

ت. به تمام کمپته‌های تابعه تلگرافی ابلاغ گردد که اسناد و مدارک خود را تا ۵۲/۴۱۴ با صورت‌جلسه به ساواک محل تحویل داده و در صورتی که در محل، ساواک وجود نداشته

باشد، طوری به تهران ارسال نمایند که در تاریخ ۵۲/۵۱۱ به آن سازمان رسیده و به نماینده اداره دوم تحویل شود. ۲. وسائیل سرشته‌داری و مهندسی:

الف. کلیه اقالم سرشته‌داری و مهندسی که مربوط به اداره دوم می‌باشد، طی لیست موجود با تنظیم صورت‌جلسه به سرشته‌داری اداره دوم با حضور افسر مربوطه به انبار تحویل گردد و چنانچه اقلامی مربوط به اداره دوم نیست، به قسمت مربوط تحویل شود.

ب. ساختمان سازمان در تاریخ ۵۲/۵۱۱ تخلیه و به صاحبش مسترد و مال‌الاجاره آن برابر قیوض موجود آریامهر در شرفرضی مزبور، امر و مقرر فرمودند این سازمان منحل شود»

الف. خودرو ریسو از یگان موتوری اداره دوم حاضر خواهد بود تا در صورت آماده شدن وسایل اسناد، بپردنده‌ها برافزای سرلشکر شریف به آن سازمان حرکت و وسایل را به اداره دوم حمل نماید.

ب. ساختمان سازمان در تاریخ ۵۲/۵۱۱ تخلیه و به صاحبش مسترد و مال‌الاجاره آن برابر قیوض موجود آریامهر در شرفرضی مزبور، امر و مقرر فرمودند این سازمان منحل شود»

سرلشکر فضل‌الله همایونی که سال‌ها به همراه سپهد کیا و پس از او در سازمان کوک به فعالیت مشغول بود به عنوان مسئول «فقاقت و مراقبت و امنیت» حزب ایران نوین به کار گرفته شد.

از آنجا که ترک‌ها در مارس ۱۹۱۷ ایران را ترک گفته‌اند، سخت می‌توان دریافت که چگونه روس‌ها تجهیزات و سلاح خود را به آنها فروخته‌اند. سایکس آنگاه از نامه‌ای یاد می‌کند که از دوستی در تبریز دریافت داشته است. دوست او می‌نویسد:

هزاران سرباز روس هنگام عبور از اینجا، تفنگ‌ها، مهمات، ذخایر، اسب‌ها و در واقع هر چیزی که به پول تبدیل می‌شد را فروختند. اسب‌ها به چند شلینگ فروخته می‌شدند، اما قسمت عولفه چنان هول‌انگیز بالا بود که چارپایان را جای تحفه می‌پذیرفتند.

سایکس سپس درباره قحطی چنین می‌آورد:
قطلاً غرب و شمال غرب ایران تاوان سنگینی برای ناتوانی دولت خود پرداخته‌اند. اوضاع قحطی تمام کشور را که از ارزاق و دام تهیه شده دربر گرفته است.

جای شگفتی نیست که انگلیسی‌ها در حالی که اصرار بر افشای سوءرفتار روس‌ها دارند، بر پنهان ساختن سهم خود نیز می‌کوشند. کالدول به نقل از مطبوعات ایران در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۷ به توصیف غارت و ضبط ارزاق به دست پلیس جنوب در روستاهای یزد می‌پردازد:

از یزد راپورت داده شده که چند روز قبل افراد پلیس جنوب دهی را محاصره کرده، در آن تیراندازی کرده و ضمن غارت ده، سه تن را به اسارت برده‌اند. اکنون چهارصد خوار ده در نیاز مبرم به نان به سر می‌برند.

رفتار نیروهای انگلیسی در آباه فارس نیز بهتر از این نبود. کالدول به نقل از مطبوعات ایران در ۲۸ اوت ۱۹۱۸ چنین گزارش می‌دهد:

نامه‌هایی که اخیراً از جنوب رسیده حاکی از آن است که ۱۵۰۰ سواره‌نظام هندی به آباه وارد شده‌اند و ظاهراً در آنجا خواهند ماند. گفته می‌شود که ایشان اموال زیادی را در روستاها و نواحی اطراف مصادره و ضبط کرده‌اند.

تلاش برای مقصر شمردن دمکرات‌های ایران
به ادعای انگلیسی‌ها، پس از روس‌ها،دمکرات‌های ایران و ملاکان، مقصرترین‌ها در ایجاد قحطی بودند. شدت خصومت انگلیسی‌ها نسبت به دمکرات‌های ایران را می‌توان از اظهارات داناوو دریافت: دمکرات‌ها مدعی‌اند که طبقه روشنفکر شمال شرق ایران هستند. مهارت سیاسی آنها، اعلام گسترده شعار ایران برای ایرانیان، برچیدن شدت دخالت تمام خارجی‌ها از امور ایران و پایان دادن به نفوذ روسیه و انگلیس بود. اما نفرت شدید و فعالیت‌های سیاسی آنها اساساً متوجه انگلیسی‌ها بود... آن چنان که من دریافت‌ام اکثریت قابل توجهی از دمکرات‌ها پول را بر مین‌پرستی ترجیح می‌دادند و برای‌شان لیره ترک یا قطعه اسکناس ۲۰ ماری، جذابیتهی اغواکننده دارد.

داناوو در آوریل ۱۹۱۸ در صحبتی با حاکم مرند از مرگ شمار زیادی از روستائیان به دلیل قحطی اظهار تأسف کرده است. اما

به نظر این انگلیسی:
او خود هیچ کاری در راه نداشت. خود انجام نداده است، و به نظاره مرگ سکنه بدبخت ایستاده، بی‌آنکه انگشتم این یاری آنها نگران دهد. روش او نمونه‌ای بود از رفتار حاکمان این سرزمین گرسنه. حاکم، خود یک ملاک بود و احتمالاً آهمانند دیگر هم‌طبقه‌های خود که من بعداً آنها را در کرمانشاه و همدان دیدم، انبوهی غله را پنهان ساخته بود و منتظر روزی بود که کمیساریای انگلیس، برای سیر کردن ایرانیان گرسنه، بیاید و با قیمتهای تومری آن انبوه غله را بخرد و در این ترتیب، گروهی مال‌اندوز و محکتر و بی‌شرف را پولدارت کند... در اینجا، همانند دیگر نقاطی که در سفرم به ایران دیدم، به شکر دزدانک تحت‌تأثیر بی‌رحمی و بی‌تفاوتی اسفناکی قرار گرفت‌م که ایرانیان نسبت به رنج هووطنان خود روا می‌داشتند. آنها به کسی که در حال مرگ است دست کمک نمی‌دادند و مردگانی بیشتر به امان سگ‌ها و لاخاشوره سپرده می‌شدند تا آن که اسناد و مدرک دفن آنها را به خود ندهد.

* روشن است که روس‌ها تنها مقصر نیستند. از آغاز، انگلیسی‌ها جریانی را هدایت کردند تا تقصیر را متوجه روس‌ها کرده و خود را تبرئه کنند.

می‌دانیم تعداد نیروهای روس در پرشمارترین برهه در تابستان ۱۹۱۶. ۱۰۰۰۰ نفر در ایران بود و تا تابستان ۱۹۱۷، ۷۵۰۰۰ سرباز روس در غرب ایران بودند. تا مارس ۱۹۱۸ آنها رفته بودند، اما قحطی درست تا ۱۹۱۹ ادامه یافت. دلیل قحطی مرگبار در شمال خراسان که هیچ جنگی در آن رخ نداد چه بود؟ چرا در جنوب ایران که در ۱۶- ۱۹۱۵ در اشغال انگلیسی‌ها بود، قحطی وجود داشت، می‌دانیم برداشت سال ۱۹۱۸ یکی از بهترین برداشت‌های ثبت شده است. چرا قحطی تا برداشت سال ۱۹۱۹ ادامه یافت؟